

A Jurisprudential Analysis of *Hadd* Punishment for Intoxication and Its Repetition in the 2013 Islamic Penal Code: From Excessive Caution to Lack of Caution

Ahmad Haji dah abadi * 

Professor of University of Tehran,
Farabi College, Qom, Iran

Mahdi Narestani 

Assistant Professor, Faculty of Law,
Hakim Sabzevari University, Sabzevar,
Iran

Abstract

Objective

Following the Islamic Revolution in Iran, the legislator, grounded in Article 4 of the Constitution, criminalized the consumption and use of intoxicants. This criminalization is enshrined in various legal texts, including the 1982 Penal Code (*Hudud and Qisas*), the 1991 Islamic Penal Code, and most recently, the 2013 Islamic Penal Code. The latest iteration, enacted in 2013, introduced several innovations in the criminalization of intoxicants, prompting a range of writings that

* Corresponding Author: adehabadi@ut.ac.ir

How to Cite: haji dehabadi, A. and Narestani, M. (2025). A Jurisprudential Analysis of Hadd Punishment for Intoxication and Its Repetition in the 2013 Islamic Penal Code: From Excessive Caution to Lack of Caution. *Journal of Criminal Law Research*, 12(47), 147 - 170. doi: 10.22054/jclr.2025.66998.2468

defend, critique, and analyze these changes. However, despite the extensive discourse, there remains a lack of a comprehensive jurisprudential analysis rooted in legal reasoning. Therefore, the objective of this paper is to provide a holistic and rigorous examination by reviewing the views of Islamic jurists, drawing upon the existing *hadiths*, and adhering to foundational jurisprudential principles.

Methodology

This article adopts a library-based research methodology and a descriptive-analytical approach. It begins by reviewing the legislative history surrounding the use and consumption of intoxicants. It then proceeds to analyze the definition of intoxicants from both a linguistic and legal perspective. Subsequently, the paper explores the opinions of Islamic jurists on the application of *hadd* punishments for intoxicants, as well as the rulings on repeated consumption, grounded in *hadiths* and related reports. The article concludes with practical suggestions and effective solutions.

Findings

The 2013 amendments introduced two significant innovations regarding intoxicants in Iranian legislation: one concerns the definition of the subject for Hadd punishment—shifting from “drinking” to “consumption”—and the other revises the punishment for repeated consumption, altering the threshold for the death penalty from the third to the fourth offense. From a jurisprudential standpoint, both changes appear problematic. The first change disregards necessary caution in areas where caution is warranted, while the second introduces caution in a context where it is not needed.

Innovation

۱- Distinction Between “Obligatory Rulings” (*Taklifi*) and “Situational Rulings” (*Wadh’i*):

A critical analysis of the distinction between “obligatory rulings” (*Taklifi*) and “situational rulings” (*wadh’i*) reveals that there is no inherent link between the two. Specifically, the prohibition of intoxicants does not necessarily necessitate the application of Hadd punishment. Not every prohibition requires punitive measures, and the criminalization of intoxicants should not automatically entail the application of *hududd* penalties.

۲- Legislator’s Innovation in the Subject of *hadd* Punishment: The legislator’s decision to expand the definition of Hadd punishment for intoxicants from “drinking” to “consumption” results in a broader scope of criminalization within the *hudud* laws. This expansion deviates from the clear guidance found in the *hadiths* and, as such, violates the intent of Article 4 of the Iranian Constitution. By broadening the definition of intoxicants to include substances beyond alcohol, such as narcotic drugs like hashish and heroin, the law increases the number of individuals potentially subjected to *hadd* punishment, including the death penalty after repeated offenses.

Conclusion

The shift from criminalizing the act of “drinking” to any form of “consumption,” coupled with the imposition of the same Hadd punishment, leads to a considerable expansion of criminalization. This shift is particularly concerning since it extends to narcotic substances like hashish and heroin, thus opening the door for individuals consuming these substances to be subject to *hadd* punishment, including the death penalty after the fourth offense. However, upon

reviewing both legal arguments and *hadiths* on the subject, no compelling evidence supports this broader application of criminalization. The jurisprudential rulings on intoxicants do not endorse such an expansion, and there is a lack of sufficient justification for this change. Furthermore, the increase in punishment for repeated consumption, after the initial *hadd* punishment has already been applied, raises significant issues. The ambiguous wording in Article 136, which suggests the death penalty for the fourth offense, lacks solid support from *hadiths* or valid jurisprudential interpretations. Historically, the death penalty was only applied after the third offense, not the fourth. Therefore, this change, particularly regarding repeated consumption, seems unwarranted and unsupported by the jurisprudential and *hadith*-based framework.

In conclusion, the shift in criminalizing the “consumption” of intoxicants, as opposed to just “drinking,” along with the alteration of the penalty for repeated offenses, represents an overreach in criminal law that lacks adequate legal or jurisprudential backing. The legal amendments of 2013, while aiming to address the issue of intoxicants, ultimately expand criminalization beyond what is justifiable by Islamic jurisprudence, leading to a potential miscarriage of justice.

Keyword: Eat.Intoxicate.Drink .Consume .Repeat .Limit



واکاوی فقهی موضوع حد مسکر و مجازات تکرار آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از احتیاط بی‌مورد تا احتیاط نمودن

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی *  گروه حقوق، دانشگاه تهران (دانشکده‌گان فارابی قم)، قم، ایران

مهدی نارستانی  گروه حقوق، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان شمالی، ایران

چکیده

استعمال و استفاده‌ی مسکر از گناهانی است که در آیات و روایات متعددی زشتی و حرمت آن بیان و تأکید شده و مجازات شرب آن هشتاد ضربه شلاق بیان شده است. پس از انقلاب، قانونگذار بر اساس اصل چهارم قانون اساسی به جرم‌انگاری این جرم در قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پرداخت. قانون اخیر نسبت به دو قانون سابق تغییراتی را در این زمینه ایجاد نموده که اهم آنها حدانگاری مصرف مسکر بجای خصوص خوردن و آشامیدن و حکم به قتل برای تکرار این جرم حدی در بار چهارم به جای بار سوم است. در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع و آرای فقهی به تحلیل نکات مرتبط به تحقق موضوع حد مسکر و مجازات تکرار شرب یا مصرف مسکر پرداخته شده است. در مجموع با توجه به مبانی فقهی به نظر می‌رسد هر دو تغییر نادرست است و تغییر اول احتیاط نمودن در جایی است که باید احتیاط نمود و تغییر دوم احتیاط بی‌جاست در جایی که نباید احتیاط نمود.

کلیدواژه‌ها: آشامیدن مسکر، تکرار حد، خوردن مسکر، مصرف مسکر.

مقدمه

تا پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خوردن و آشامیدن مسکر ۸۰ ضربه شلاق داشت و تکرار آن در بار سوم مجازات قتل داشت. این قانون مصرف مسکر را موجب حد می‌داند و برای تکرار در بار چهارم حکم اعدام را پیش‌بینی نموده است. سؤال این است که نوآوری قانونگذار در بحث تحقق موضوع (تبدیل خوردن و آشامیدن مسکر به مصرف) و تکرار آن (اعدام در مرتبه‌ی چهارم بجای سوم) طبق موازین فقهی است یا خیر؟ در این زمینه چند نوشته دیده می‌شود که به جز یکی (خزاعی، ریاحی، زرگریان، ۱۳۹۲/۸۳-۱۱۰) که بحث مبسوطی را تنها در دفاع از حدانگاری مصرف مسکر داشت، سایر موارد (مثل باقری، ۱۳۹۷/۲، ۸۲۹-۸۳۰؛ فتحی، ۱۳۹۳/۱۵۱-۱۷۵) به شکل گذرا آن هم فقط در موضوع مصرف مسکر و نه تکرار آن هستند. البته در آن نوشته بیشترین تأکید بر کلام و آرای فقها شده است، در حالی که در نوشته‌ی حاضر تأکید بر اصل منابع روایی شده و سعی شده است این مهم که هیچ تلازمی بین حرمت و وجوب حد نیست روشن گردد و علاوه بر موضوع کیفیت مصرف مسکر به بحث تکرار هم پرداخته شده است. نوشته‌ی حاضر با این پیش‌فرض که منابع فقهی این نوآوری را تأیید نمی‌نمایند درصدد تحلیل اجتهادی این موضوع است. ابتدا به سیر قانونگذاری این جرم (۱) و سپس به مفهوم مسکر (۲) می‌پردازد. آنگاه به اقوال فقها در مورد اینکه موضوع این جرم صرفاً خوردن و آشامیدن است یا شامل سایر استعمالات مسکر می‌شود (۳) اشاره می‌کند و سپس به ادله‌ی این اقوال (۴). بحث حکم تکرار مصرف مسکر (۵) آخرین بحث را تشکیل می‌دهد و در نهایت به نتیجه مباحث اشاره می‌شود.

۱. سیر قانونگذاری

قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ در ۱۵ ماده برای اولین بار پس از انقلاب به حد مسکر پرداخته بود. مطابق ماده‌ی ۱۲۳: خوردن مسکر کم یا زیاد مست بکند یا نکند خالص باشد یا مخلوط موجب حد است. در این ماده مطلق مصرف مسکر جرم نبود بلکه خوردن موجب حد بود. البته خوردن در مفهوم عام شامل نوشیدن هم می‌شود بخصوص وقتی که خوردن مایعات مدنظر باشد. در ماده‌ی ۱۳۵ دیدگاه مشهور قریب به اجماع فقها در تکرار شرب مسکر (در مرتبه‌ی سوم کشته می‌شود) منعکس شده است.

مفاد ماده‌ی ۱۲۳ سال ۱۳۶۱ در ماده‌ی ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ آورده شد و این دیدگاه تقویت شد که صرف خوردن از منظر قانون موجب حد است نه مطلق مصرف. نیز مطابق ماده‌ی ۱۷۹: «هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه‌ی سوم کشته می‌شود». بالاخره با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار در ضمن سه ماده مصرف مسکر را موجب حد می‌داند: ماده‌ی ۲۶۴- **مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین** آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است. تبصره - خوردن فقاع (آب جو مسکر) موجب حد است هرچند مستی نیابد. در دو ماده‌ی دیگر (مواد ۲۶۵ و ۲۶۶) هم قانونگذار واژه مصرف را آورده است. آنچه از مجموع این سه ماده و دو تبصره‌ی آن مشاهده می‌شود این است که معیار و ملاک در سبب مجازات حدی «مصرف مسکر» است که شامل خوردن، تزریق، تدخین و موارد دیگر می‌شود. در خصوص مجازات تکرار مصرف مسکر مقنن بیانی خاص ندارد؛ اما در ماده‌ی ۱۳۶ مقرر می‌نماید که هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد حد وی در مرتبه‌ی چهارم اعدام است. عموم این ماده شامل تکرار مصرف مسکر می‌شود. در مجموع دو تغییر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دیده می‌شود، اول اینکه بجای خوردن واژه‌ی مصرف بکار رفته است. دوم اینکه تکرار مصرف مسکر در مرتبه‌ی چهارم موجب قتل است.

۲. مفهوم مسکر

قانونگذار در سه مقطع زمانی قانونگذاری بعد از انقلاب مراد خود از واژه‌ی «مسکر» را تبیین ننموده است؛ بنابراین، باید مانند سایر اصطلاحات به عرف مراجعه کرد. از منظر عرفی اسکار حالتی است که اختلال در سخن گفتن منظم ایجاد کرده و سرّ پنهان را افشا کند (نجفی، ۱۴۰۴ ق: ۴۴۹/۴۱). شریعت اصفهانی در بررسی لغوی آن بیان می‌کند: اغلب کتاب‌های لغوی خالی از بیان حقیقت سکر هستند و اغلب به اینکه نقیض «صحو» است اکتفا نموده‌اند. در ادامه می‌گوید: اسکار اطلاق می‌شود بر پوشیدن عقل و این یک اطلاق عام است و گاهی اطلاق می‌شود بر پوشیدن عقل به همراه نشاط و طرب و عربده که در ضمن مسکرات گرم و مرطوب مانند خمر و نبید که این نوع مقتضی سوء خلق و خشم

هستند و گاهی اطلاق می‌شود بر پوشاندن قوه‌ی عاقله به همراه سستی بدن، حالت بی‌حسی و خواب‌آلودگی، سکوت طولانی، خواب، بی‌غیرتی بلکه موجب تقلیل قوه‌ی شهوانی، تقلیل میل به غذا، سردی و خشکی و یبوست می‌گردد که در ضمن مسکرات سرد و خشک مانند بنگ، حشیش و ... است (اصفهانی، ۱۴۱۰ ق: ۶۴-۶۶). «مسکر» حقیقت شرعی ندارد و هر دو صنف مسکرات یعنی گرم و مرطوب و سرد و خشک در پوشاندن و زوال عقل اشتراک دارند. بلکه وقتی شراب مسکر به شمار رود برخی مخدرات مثل حشیش و قرص اکس و ... یقیناً مسکر به شمار می‌روند.

۳. اقوال فقها در تحقق موضوع حد مسکر

روشن است که میان خوردن و مصرف تفاوت است، بخصوص که ق.م.ا. ۹۲ واژه‌ی از قبیل را بکار برده و دو واژه‌ی تزریق و تدخین را نیز بکار برده است؛ زیرا خوردن یعنی مسکر از طریق نای وارد معده شود؛ ولی تزریق از طریق رگ است و تدخین هم گرچه از طریق حلق است ولی در مورد اشیایی است که حالت گاز دارند در حالی که خوردن فقط در مورد جامدات و مایعات است و ظاهراً در مورد گاز و دود صدق نمی‌کند. ذیلاً اقوال فقها و مبانی آنها در خصوص تحقق موضوع حد مسکر ارائه می‌گردد تا قوت و ضعف این توسعه‌ی قانونگذار روشن شود.

با جستجو در عبارات فقها می‌توان گفت که آنها با سه عبارت مختلف (شرب، تناول و استعمال مسکر) از این مبحث یاد کرده اند که با مقداری تسامح می‌توان گفت که شرب و تناول یک قول محسوب می‌گردد و استعمال قول دیگر.

۳-۱. شرب و تناول مسکر

با توجه به اینکه منظور از تناول در بحث مسکرات نوشیدن و خوردن و مراد از شرب هم همان معنای لغوی آن یعنی نوشیدن هر مایعی است، خواه آب یا غیر از آن باشد (گلپایگانی، ۱۴۱۲ ق: ۲/۳۰۴؛ اردبیلی، ۱۴۲۷ ق: ۴۴۸) تعدادی از فقها در بیان مجازات مصرف مسکر، اختصاصاً از واژه‌ی «شرب» استفاده کرده اند (ایروانی، ۱۳۸۵ ش: ۳/۲۹۴؛ حلی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵ ق: ۵۵۷؛ سیستانی، ۱۴۱۷ ق: ۲/۵۳۵)، البته در برخی از منابع فقهی که از واژه‌ی شرب استفاده شده، تصریح شده است که خوردن نان و غذایی که

ممزوج به خمر است، هرچند عنوان شرب بر آن صدق نمی‌کند، موجب ثبوت حد است (قمی، سید صادق، بی تا: ۳/ ۲۸۰) این یعنی رفتاری غیر از نوشیدن هم می‌تواند موجب حد باشد؛ لذا تعداد دیگری از فقها در موجب ثبوت حد خمر و مسکرات بجای واژه‌ی «شرب» از واژه‌ی «تناول» استفاده کرده اند (حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۱ ق، ب: ۱۸۸؛ لنکرانی، ۱۴۲۲ ق: ۹/ ۲۰۳) و گفته اند اینکه در روایات از واژه‌ی «شرب» استفاده شده است از باب مورد غالب است نه اینکه حکم مقید به این نوع از مصرف باشد (سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ۲۸/ ۳۸) و شرب یکی از مصادیق متعارف تناول خمر و مسکر است (تبریزی، جواد بن علی، ۱۴۱۷ ق: ۲۷۴). معیار تناول را وارد شدن مسکرات به داخل شکم دانسته خواه با خوردن باشد و خواه با نوشیدن و این نوشیدن خواه خالص یا با چیز دیگری ترکیب شده باشد (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ب: ۱۴/ ۴۵۸).

۲-۳. استعمال مسکر

تعدادی از فقها در آثار خود از واژه‌ی «استعمال المسکر» استفاده نموده اند و استعمال در لغت یعنی به کار گرفتن و مراد از استعمال برحسب آنچه بدان اضافه می‌شود، متفاوت است در نتیجه احکام آن نیز مختلف است (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ ق: ۱/ ۴۳۷). در موضوع بحث این نوشتار به معنای هرگونه مصرف و استفاده کردن مسکر است. این عنوان فراتر از شرب و تناول است؛ لذا برخی به این علت که موضوع حکم شرعی و حد در مسکرات از منظر آنها شرب یا تناول است و نه استعمال به بیان بعضی از مصادیق استعمال پرداخته اند تا تمیز بین این مفاهیم روشن گردد (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ب: ۱۴/ ۴۵۸؛ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۱ ق، ب: ۱۶/ ۶۷) و گروهی دیگر فقط از واژه‌ی «استعمال» در بیان حکم تکلیفی حرمت استعمال مسکر و نبیذ و یا حرام بودن استعمال غذایی که مخلوط به خمر شده است، استفاده کرده اند (قمی، صدوق، ۱۴۱۳ ق، ب: ۱/ ۷۰؛ حلی، ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق: ۳/ ۱۲۰).

اما عناوینی مانند مطلق الاستعمال یا مطلق المصرف و... که بخواهد به صورت عموم و کلی موضوع اجرای حد قرار گیرد تاکنون در جستجوی ما یافت نشد؛ البته در بررسی کتب فقهی دیده می‌شود که فقها چند واژه را بکار برده اند:

۱. سعوپ به معنی «داخل کردن دارو از راه بینی» است. ۲. احتقان یعنی داخل کردن مایعات در امعاء و احشاء از پائین، البته اماله به جامدات نامش شیاف باشد (خراسانی، بی تا: ۱/ ۲۴۱). ۳. تزریق به معنای ورود دارو و... از طریق رگ‌های بدن یا عضلات. ۴. اکتحال به معنی «به چشم خود سرمه کشیدن» است. ۵. الإطلاء را مترادف التلطیح دانسته اند به معنای آغشته نمودن پوست با روغن و غیر آن و یک نوعی از روغن مال کردن است (تبریزی، جعفر، ۱۴۲۴ ق: ۳/ ۲۳۵) و تضمید به معنای پانسمان کردن است. ۶. تدخین به معنای استنشاق گاز و دود.

گروهی از فقها استعمال مسکر یا خمر در قالب سعوپ را مشمول حد دانسته است؛ اما احتقان را موجب حد نمی دانند. علامه حلی می نویسد: اگر خمر را در قالب سعوپ استفاده نماید حد زده می شود. اگر از طریق احتقان باشد؛ چون شرب محسوب نمی شود و به شکم نمی رسد حد زده نمی شود (حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۳ ق: ۳/ ۵۵۳) البته روشن است که علامه سعوپ را تناول و اکل و شرب می داند؛ چون از راه بینی مسکر به جوف و شکم وارد شده است؛ لذا نمی توان او را از کسانی دانست که به توسعه‌ی موضوع حد مسکر معتقدند.

برخی معتقدند اگر اسکار به وسیله‌ی تزریق هم محقق گردد حد شرعی در این مورد نیز ثابت است به دلیل صدق عنوان تناول مسکر در این مورد؛ گرچه بر تضمید و اطلاع و احتقان تناول صدق نمی کند (لنکرانی، ۱۴۲۲ ق: ۴۳۳) گرچه می توان در این زمینه تردید کرد؛ زیرا اولاً واژه تناول در متون روایات بکار نرفته و آنچه هست شرب است که بر تزریق صدق نمی کند. حتی اگر واژه‌ی تناول هم در نظر بگیریم در صدق آن بر تزریق تردید است. ضمن اینکه این مطلب خلاف استفتایی است که در ادامه خواهد آمد که ایشان تزریق را موجب حد نمی دانند.

شاهد بر این مطلب در صوم این است که آیا تزریق آمپول و سرم کمکی مبطل روزه اند؟ بعضی قائل اند: احتیاط واجب آن است که روزه دار از آمپول‌های مقوی یا مغذی و هر آمپولی که در رگ تزریق می شود و نیز انواع سرم‌ها خودداری کند (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ ق: ۱۶۰) و برخی استفاده از هر نوع آمپولی را چه مغذی و چه در رگ و عضله را مبطل نمی دانند (سیستانی، ۱۴۱۷ ق: ۱/ ۳۲۴).

سرمه کشیدن با چیزی که آمیخته به مسکر است گرچه جایز نیست (حلی، ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق: ۱۳۱/۳) و در روایات وعید عذاب اخروی داده شده است (عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۳۵۰/۲۵) ولی موجب حد نیست؛ زیرا اولاً در این روایات سخنی از موجب حد بودن نشده است و ثانیاً مکروه بودن «ریختن دارو در چشم و سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد» (خمینی، ۱۴۲۶ ق: ۳۴۵) قرینه بر این است که بر اکتحال اکل و شرب و تناول صدق نمی‌کند.

در جذب مسکر از طریق تماس پوستی (اطلاء و تضمید) گفته شده که این گونه استعمال موجب ثبوت حد نمی‌گردد (اردبیلی، ۱۴۲۷ ق: ۵۷۶/۲) البته مانند این بحث در روزه وجود دارد اگر صائم تشنه در یک آب بنشیند و به دلیل ورود آب به داخل بدن از طریق منافذ بدن عطش رفع گردد باز هم کسی حکم به بطلان روزه نداده است (خوانساری، ۱۴۰۵ ق: ۱۲۵/۷).

مناسب است این بحث با استفتایی از مراجع معاصر پایان پذیرد: سؤال: الف. آیا مسکر الزاماً باید مایع باشد یا اگر به صورت جامد یا گاز هم باشد باز شرب آن حرام و موجب حد شرب خمر می‌شود؟ ب. اگر با مسکرات معجون ساخته شود، آیا خوردن آن حرام و موجب حد است؟ ج. اگر با تزریق خمر یا هر ماده‌ی دیگری به بدن، مستی حاصل شود، آیا حرام و موجب حد است؟ (گنجینه‌ی استفتائات قضایی، کد سؤال ۹۰۹۷) آیت‌الله بهجت و آیت‌الله خامنه‌ای تزریق را موجب حد می‌دانند. در مقابل اکثر مراجع معاصر گرچه چنین استعمالی را حرام می‌دانند؛ ولی موجب حد ندانسته‌اند گرچه در مورد مسکر گازی، اگر اکل و شرب صدق کند باز حد را جاری می‌دانند. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی: اگر کسی شرب خمر کند حرام است و موجب حد، لکن مواردی که نوشته‌اید خوردن و استعمال آن حرام است و مجازات تعزیر دارد. آیت‌الله سید علی سیستانی: استفاده از مسکر جایز نیست چه به صورت جامد باشد یا مایع. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی: در تمام این موارد مرتکب فعل حرام شده است ولی حد خمر جاری نمی‌شود مگر در مورد معجون هرگاه به صورتی باشد که گفته شود در این معجون مقدار قابل ملاحظه‌ای خمر است.

در ادامه به بررسی ادله‌ی اقوال فقها در تحقق موضوع حد پرداخته می‌شود که به صورت صریح قولی که مطلق مصرف را موجب حد می‌داند مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد که در ذیل آن نظر نویسندگان و ادله‌ی آنان نیز به تفصیل ذکر می‌گردد.

۴. بررسی ادله‌ی اقوال در تحقق موضوع حد مسکر

واقعیت آن است که این بحث به شکل مناسبی در کتب فقهی مطرح نشده لذا نویسندگان با مطالعه‌ی اقوال متفاوت و متعدد فقها بر این باورند که تمام اقوال فقها را می‌توان در ذیل دو قول تشریح نمود. قول اول این است که جهت ثبوت حکم باید عنوان «شرب و تناول» بر رفتار مرتکب صدق نماید. قول دوم که اعم از قول اول است ناظر به تحقق عنوان «استعمال و مصرف مسکر» است؛ لذا مطابق این دیدگاه تزریق و تدخین و احتقان و نظایر آنها موجب تحقق موضوع حد مسکر است.

۴-۱. ادله‌ی خاص بودن موضوع حد مسکر (موجب حدی بودن خصوص شرب و تناول)

عمده دلیلی که می‌توان ارائه داد این است که در روایات متعدد حد مسکر برای شرب و شارب مسکر آورده شده است و چون امام (ع) در مقام بیان بوده و تنها از شرب و شارب مسکر سخن به میان آورده اند، طبعاً اطلاق مقامی اقتضای می‌کند غیرشرب حد نداشته باشد.

برخی روایات به شرح زیرند: در کتاب علی علیه السلام است که شراب‌خوار و خورنده‌ی مست‌کننده، زده می‌شود. از او پرسیده شده: چقدر؟ حضرت فرمود: حدّ این دو، یکی است (طوسی، ۱۴۰۷ ق، د: ۹۰/۱۰) در صحیح‌هی دیگر آمده: «در هر مست‌کننده‌ای از نوشیدنی‌ها همان حدّی که در شراب (واجب) است، ثابت است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۱۶/۷ - ۲۱۵) و همچنین امام صادق علیه السلام فرموده: در کتاب علی علیه السلام است که شراب‌خوار هشتاد تا زده می‌شود و کسی که نبیذ می‌خورد، هشتاد تا زده می‌شود (بروجردی، ۱۳۸۶ ق: ۸۶۱/۳۰) در این روایات اشاره شده است که رفتار مرتکب که از نوع نوشیدن است موجب ثبوت حد شرعی است؛ و به دلیل اینکه واژه‌ی شرب شامل برخی مصادیق مصرف خمر نمی‌گردد، گروهی از فقیهان از واژه‌ی تناول

استفاده نمودند تا بتوان محدوده‌ی مصرف مسکر را به اعم از نوشیدن سرایت دهند؛ چراکه معیار ورود مسکر از طریق حلق به شکم است اگرچه در روایات باب مصرف مسکر از واژه‌ی تناول استفاده نگردیده و عموماً واژه‌ی شرب به کار برده شده است (خزاعی، ریاحی، زرگریان، ۱۳۹۲: ۸۳-۱۱۰) و اینکه در روایات از واژه‌ی «شرب» استفاده شده است از باب مورد غالب است نه اینکه حکم مقید به این نوع از مصرف باشد (سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ۲۸/۳۸) و شرب یکی از مصادیق متعارف تناول خمر و مسکر است (تبریزی، ۱۴۱۷ ق: ۲۷۴).

۲-۴. ادله‌ی عام بودن موضوع مسکر (موجب حدی بودن مصرف مسکر اعم از شرب و غیرشرب)

در کلام فقها کسی عنوان استعمال مسکر یا مطلق مصرف مسکر را به عنوان موجب حد به کار نبرده است؛ اما اموری مثل تزریق و تدخین و احتقان و سعوط به کار رفته که جامع این عناوین، واژه‌ی مصرف است.

دلایلی که ممکن است گفته شود یا بتوان گفت:

الف- اطلاق ادله‌ی حد داشتن خمر و نیبذ و مانند آن. در تعدادی از روایات حرمت بر نفس خمر و مانند آن تعلق گرفته است و اطلاق روایت اقتضا می‌کند مطلق استعمال مسکر حرام و موجب حد باشد (باقری، ۱۳۹۷: ۸۲۹/۲-۸۳۰)؛ مثلاً روایت شده که: رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله برای شراب هشتادتا زد (عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۲۳/۲۸). همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمودند: که امیر المومنین علیه‌السلام در مقدار کم نیبذ هم شلاق می‌زد؛ مانند مقدار کم شراب (طوسی، ۱۳۹۰ ق، الف: ۲۳۵/۴) و یا در روایت دیگری نقل شده که هر مسکری حرام است و هر چیزی که زیاد آن سکرآور است مقدار کم آن هم حرام است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴۰۸/۶). مستفاد از این روایات این است: آنچه حرام است ذات و عین خمر است، حال می‌خواهد این ذات در خارج به هر نحوی موجود باشد و به هر نحوی مصرف گردد، چه شرب بر آن صدق کند چه نکند (خزاعی، ریاحی، زرگریان، ۱۳۹۲: ۸۳-۱۱۰).

ب- کبیره بودن سکر و مستی. با توجه به آیات ۹۰ و ۹۱ سوره‌ی مائده و روایت: «السكر من الکبائر» کبیره بودن گناه مصرف مسکر اثبات می‌گردد، چراکه روایت مذکور کبیره

بودن را بر مست شدن بار نموده است نه بر مصرف مسکر به نحو نوشیدن. از طرف دیگر، با توجه به روایت یونس بن عبدالرحمن که فرمود: «هرگاه بر صاحبان کبائر (کلهم) دو بار حد اقامه شد در بار سوم کشته شوند» پس هرگونه استعمالی که منجر به سکر شود موجب حد است؛ و همچنین روایاتی که حد را بر نفس سکر و مسکر حمل نموده اند مؤید این مطلب هستند (خزاعی، ریاحی، زرگریان، ۱۳۹۲: ۸۳-۱۱۰).

ج- وجود مناط شرب مسکر در هر نوع استعمال مسکر. در برخی از روایات بیان شده است کسی که شرب مسکر می کند هذیان می گوید و کسی که هذیان می گوید افترا می بندد و حد مفتری ۸۰ ضربه شلاق است. این علت (هذیان گوئی) در مصرف مسکر از طریق غیر از خوردن و آشامیدن هم موجود است. از جمله نقل شده که: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: زمانی که مردی شرب خمر می کند پس مست می شود، هذیان می گوید و در آن زمان که هذیان می گوید، افترا می بندد و چون این کار بکند، هشتاد تازیانه یعنی حد افترازننده را بر او بزنید (عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۸/۲۲۶) و همچنین حضرت رضا علیه السلام در نامه ای در علت زدن هشتاد تازیانه به شراب خوار مکتوب فرموده است: شراب خوار اگر شراب بخورد، هذیان می گوید، افترا می بندد و اگر افترا ببندد، تازیانه می خورد؛ بنابراین بر شراب خوار هم حد افترازننده ثابت است (بروجردی، ۱۳۸۶ ق: ۳۰/۷۸۷).

۳-۴. نقد و بررسی ادله

به نظر می رسد می توان از نوشیدن مسکر دست شست و خوردن مسکر را هم موجب حد دانست ولی نمی توان تزریق و تدخین و سایر استعمالات مسکر را هم موجب حد دانست؛ زیرا ادله ی حد داشتن مطلق مصرف مسکر قابل نقد است.

نقد دلیل اول: گاه می گوئیم مطلق استعمال مسکر حرام است و گاه می گوئیم مطلق استعمال مسکر موجب حد است. حکم اول از روایات مورد اشاره استفاده می شود؛ ولی حکم دوم از این روایات استفاده نمی شود. اگر کسی بخواهد به اطلاق این روایات اخذ کند نه تنها باید مصرف و استعمال مسکر را موجب حد بداند، بلکه باید ساختن، بیع و ... و سایر تصرفات حرام آنها را نیز موجب حد بداند (تبریزی، ۱۴۱۷ ق: ۲۷۵).

نقد دلیل دوم: در دلیل دوم معیار ثبوت حد در تمامی انواع مسکرات تحقق اسکار و مستی به صورت بالفعل است که با پذیرش آن باید گفت که دو سبب برای ثبوت حد در مسکر

وجود دارد یکی شرب و تناول اگرچه سکر ایجاد نشود و دیگر ایجاد سکر اگرچه از طریق شرب و تناول نباشد که اولاً با فضای روایات باب سازگاری ندارد که در ادامه بعد از نقد دلیل سوم در مقام استدلال بر خصوص نوشیدن و خوردن مسکر موجب حد است روایات باب مورد بررسی قرار می‌گیرد. ثانیاً اینکه در روایات علاوه بر «السكر» موارد دیگری همچون «التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ»، «أَكْلُ الرِّبَا»، «الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»، «الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۷۷) به عنوان کبائر ذکر شده است که هیچ فقهی ملتزم به اعمال مجازات قتل در مرتبه‌ی سوم این رفتارها نشده است که این گویای این است که روایت «السكر من الكبائر» در مقام بیان مصداق برای روایت «أصحاب الكبائر يقتلون في الثالثة» نیست.

نقد دلیل سوم: این روایات تنها در حد حکمت حکم هستند و نه علت آن و استخراج مناط در احکام تعبدی مادام که استنباط مناط قطعی نیست، باطل است. به نظر می‌رسد روایت اول و دوم در مقام اسکات خصم بوده با توجه به اینکه این حد در قرآن نیامده است، چرا حد شرب خمر ۸۰ ضربه شلاق است.

به نظر می‌رسد که تنها خصوص نوشیدن و خوردن مسکر موجب حد است نه مطلق استعمال مسکر گرچه مطلق استعمال حرام است زیرا:

اولاً در بسیاری از روایات وجود حد بر شرب مسکر یا شارب مسکر مترتب شده است. ممکن است اشکال شود نسبت این روایات با روایاتی که خمر و مسکر را موجب حد دانسته، مطلق و مقید متوافقی‌اند که بر هم حمل نمی‌شوند. از جمله‌ی این روایات این است: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا سَكَرَ مِنَ النَّبِيذِ الْمُسَكَّرِ وَالْخَمْرِ جُلِدَ ثَمَانِينَ» (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸/۲۲۶). همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمودند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُلُّ مُسَكَّرٍ حَرَامٌ وَ كُلُّ مُسَكَّرٍ خَمْرٌ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۶/۴۰۸) و در روایت دیگری هم نقل شده است که: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَضْرِبُ فِي النَّبِيذِ الْمُسَكَّرِ ثَمَانِينَ كَمَا يَضْرِبُ فِي الْخَمْرِ (طوسی، ۱۳۹۰ق: الف، ۴/۲۳۵) در پاسخ باید گفت اینکه مطلق و مقید متوافق بر هم حمل نمی‌شوند قاعده‌ای است عقلایی و عرفی که برای تشخیص مراد گوینده به کار می‌رود و قاعده‌ای غیر قابل تخصیص نیست؛ چنانکه برخی معاصرین هم در مواردی به حمل مطلق بر مقید متوافق قائل‌اند (زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۲/۶۷۸). طبعاً در قلمروی این قاعده باید به عرف

مراجعه کرد؛ به نظر می‌رسد اگر تعداد مقید نسبت به تعداد مطلق خیلی زیاد باشد می‌توان مطلق را بر مقید متوافق حمل کرد. چنین وضعیتی در محل بحث حاکم است؛ زیرا تعداد روایاتی که در آنها واژه‌ی شرب و شارب به کار رفته نسبت به روایاتی که مطلق خمر را موجب حد دانسته است بسیار زیاد است. در کتاب الوافی در باب حد شرب مسکر ۳۲ روایت ذکر نموده است که در ۲۵ مورد از این روایت‌ها از واژه‌ی شرب یا شارب استفاده شده است.

ثانیاً در گروهی از روایات که درباره‌ی شرب است واژه‌ی «إذا» و «من» از ادات شرط به کار رفته و روشن است که شرط مفهوم دارد و در نتیجه نسبت این روایات با روایات مطلق، غیر متوافقی خواهد بود مثلاً: «قَالَ: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَأَجْلَدُوهُ...»: اگر کسی شرب خمر نمود پس او را تازیانه بزنید؛ و «... فِي شَارِبِ الْخَمْرِ إِذَا شَرِبَ ضُرِبَ...» اگر نوشید زده می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷ ق: د، ۹۵/۱۰). مفهوم شرط این است که اگر شراب را ننوشیده است حد بر وی جاری نمی‌شود. این مفهوم باعث تقیید روایاتی می‌شود که می‌گوید در خمر حد واجب است و اطلاق آن را منصرف به شرب می‌کند.

ثالثاً برای رد مستوجب حد بودن مطلق مصرف مسکر می‌توان ادله‌ای همچون قاعده‌ی درء و اصل احتیاط و... را به عنوان مؤید ارائه کرد.

اول. قاعده‌ی درء: قاعده‌ی درء در شبهات حکمیه هم جاری است؛ یعنی برای مجتهد هم قابل استفاده است و لذا برخی وطی در دبر زن را به علت شبهه، زنا نمی‌دانند (خوانساری، ۱۴۰۵ ق: ۳/۷). به هر حال در صورت شبهه در اینکه آیا هرگونه مصرف مسکر اعم از تدخین و تزریق و... موجب حد است یا خیر قاعده‌ی درء نافی حد برای این رفتارها است. دوم: قاعده‌ی تخفیف در حدود: مقدس اردبیلی تصریح دارد به اینکه تخفیف در حدود به صورت فی الجمله امری مطلوب است (اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ۱۳/۱۰۰). آیا وقتی که دسترسی به امام معصوم (علیه السلام) نیست و روایات ظنی موجود هم توان اثبات حد برای مطلق مصرف را ندارند جای تخفیف مرتکب نیست؟

سوم. اصل برائت: اصل برائت یعنی حکم به نبودن تکلیف است در موردی که تردید در وجود آن بشود. در نتیجه اگر در اجرای حد بر مجرم تردید کنیم، چنین کسی مستحق

مجازات نیست. با توجه به اختلاف فتاوا و عدم تصریح روایات آیا در اجرای حد برای مطلق مصرف مسکر تردیدی حاصل نمی‌گردد؟ در پایان این قسمت تذکر نکته‌ای لازم است و آن اینکه مطابق ماده‌ی ۲۶۴ باید گفت اکتحال و احتقان و تضمید و اطلاق مسکر حد دارد؛ چون قانونگذار واژه‌ی مصرف مسکر از قبیل آورده است. در حالی که برخی از این استعمالات قائلی ندارد و از این جهت نیز قانون با ایراد مواجه است.

۵. حکم تکرار شرب مسکر

۵-۱. اقوال

در زمینه‌ی تکرار حدود سه نظر در میان فقهای امامیه دیده می‌شود. مشهور تکرار حدود را در بار چهارم موجب قتل می‌دانند به جز شرب مسکر که در بار سوم موجب قتل است (قمی، مؤمن، ۱۴۲۲ ق: ۴۷۵). آیت‌الله خویی تکرار حد را در بار سوم موجب قتل می‌داند به استثنای زنا و سرقت که در بار چهارم موجب قتل است (خویی، ۱۴۲۲ ق: ۴۱/۲۹۱ و ۳۰۲ و ۳۱۷ و ۳۳۳). از عبارات آیت‌الله خوانساری استفاده می‌شود که تکرار حد موجب قتل نیست (خوانساری، ۱۴۰۵ ق: ۳۵/۷، ۱۵۷ و ۱۷۹).

کسانی که در برخی آثار خود به اعدام در بار چهارم برای شرب مسکر قائل اند عبارت اند از: شیخ صدوق، شیخ طوسی، علامه حلی، شهید اول، شهید ثانی، فخر المحققین (قمی، صدوق، ۱۴۱۳ ق، ب: ۵۶/۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج: ۴۷۳/۵؛ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۰ ق، الف: ۱۸۰/۲؛ عاملی، شهید اول، ۱۴۱۰ ق: ۲۶۰؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۲۲ ق، ج: ۲۰۳؛ حلی، فخر المحققین، ۱۳۸۷ ق: ۴/۵۱۵).

۵-۲. ادله‌ی قتل در مرتبه‌ی سوم

۵-۲-۱. روایات عام

در این گروه فقط یک روایت وجود دارد که از نظر سندی صحیح سند است (لنکرانی، ۱۴۲۲ ق: ۳۳۲) و از حیث دلالت هم معنای آن واضح و روشن است؛ و آن روایت امام کاظم (علیه‌السلام) است: همه‌ی مرتکبین گناهان کبیره اگر دو بار حد بر آنها اقامه شود، در مرتبه‌ی سوم کشته می‌شوند (طوسی، ۱۳۹۰ ق، الف: ۴/۲۱۲).

۲-۲-۵. روایات خاص

در منابع مختلف روایی، روایات مختلفی با مضمونی تقریباً یکسان وجود دارد که شارب خمر بعد از اینکه در مرتبه‌ی دوم شلاق زده شد دوباره مرتکب شرب خمر شود در این مرتبه محکوم به حد اعدام می‌گردد که در کتاب وسایل الشیعه چهارده روایت و در کتاب کافی شش روایت نقل شده است که سه روایات از باب نمونه ارائه می‌گردد. روایت اول: امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: اگر شارب خمر را برای مرتبه‌ی سوم به محضر حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) می‌آوردند حضرت گردن او را می‌زد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۷/ ۲۱۸). روایت دوم و سوم که صاحب جامع المدارک از آنها تعبیر به صحیح‌ی سلیمان بن خالد و صحیح‌ی محمد می‌کند این است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر کسی شراب خورد، تازیانه‌اش بزنید و اگر مجدداً خورد، باز او را تازیانه بزنید ولی اگر باز هم خورد، او را بکشید» (خوانساری، ۱۴۰۵ ق: ۷/ ۱۲۹).

۳-۵. ادله‌ی قتل در مرتبه‌ی چهارم

۱-۳-۵. روایات

برای این قول دو روایت مرسله وجود دارد، یکی مرسله‌ی صدوق (قمی، صدوق، ۱۴۱۳ ق، ب: ۵۶/۴) و دیگر مرسله‌ی نبوی در منابع اهل سنت که شیخ طوسی در کتاب خلاف به آن استناد نموده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس شرب خمر کند، او را تازیانه بزنید و ... و هر کس که مجدداً (بار چهارم) شرب خمر کرد، او را بکشید» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج: ۴۷۳/۵). البته روایت دیگری وجود دارد که از آن تعبیر می‌شود به صحیح‌ی جمیل با این مضمون: «امام صادق علیه السلام فرمود: اگر بخورد، زده می‌شود و اگر دوباره خورد، زده می‌شود، اگر مجدداً خورد، در مرحله‌ی سوم کشته می‌شود. جمیل گوید: بعضی از یاران ما روایت کرده اند که: در بار چهارم کشته می‌شود». ابن ابی عمیر گوید: منظور این است که در بار سوم کشته می‌شود و کسی که در بار چهارم آورده شده است، در بار چهارم کشته می‌شود (عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۸/۲۳۵). آنچه باید در فقه الحدیث این روایت توجه کرد این است که روایت فوق سه فقره‌ی جداگانه دارد:

فقره‌ی اول: امام صادق علیه‌السلام فرمود: اگر بخورد، زده می‌شود و اگر دوباره خورد، زده می‌شود، اگر مجدداً خورد، در مرحله‌ی سوم کشته می‌شود. در این فقره هم از حیث سندی و دلالتی بحث نیست.

فقره‌ی دوم: جمیل گوید: بعضی از یاران ما روایت کرده‌اند که: در بار چهارم کشته می‌شود. از حیث دلالتی این فقره ظهور دارد در اینکه در بار چهارم اعدام است؛ ولی از حیث سندی مرسله است که به خاطر آن نمی‌توان از روایت مستند دست برداشت خصوصاً که مشهور به آن عمل نکرده‌اند (تبریزی، ۱۴۱۷ ق،: ۲۹۳).

فقره‌ی سوم: ابن ابی عمیر گوید: «منظور این است که در بار سوم کشته می‌شود و کسی که در بار چهارم آورده شده است، در بار چهارم کشته می‌شود». این فقره از روایت مجمل است.

۲-۳-۵. احتیاط

احتیاط اقتضا می‌کند که به قتل شارب خمر در بار چهارم قائل شد؛ زیرا در مقایسه‌ی مجازات شرب خمر با زنا و سرقت حدی یقیناً این دو جرم شدیدتر از شرب خمرند، اولاً زنا ۱۰۰ شلاق دارد و شرب خمر ۸۰ تا؛ برخی از اقسام زنا موجب قتل و رجم است. وقتی زنا با آن درجه از زشتی بار سوم موجب قتل نباشد شرب خمر در بار سوم موجب قتل نخواهد بود و خلاصه اینکه احتیاط اقتضا می‌کند که به مجازات قتل در بار چهارم قائل شد بخصوص روایاتی هم دلالت می‌کنند زنا شرتر از شرب خمر است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۶۲/۷).

نقد ادله‌ی فوق: اولاً یک یا دو روایت مرسله نمی‌تواند در مقابل آن همه روایات صحیحه قرار گیرد و به تعبیر دیگر لا حجت با حجت تعارض نمی‌کند. خصوصاً اینکه مشهور فقها از آن روایت مرسله اعراض کردند و بدان فتوا نداده‌اند. ثانیاً شیخ طوسی در تهذیب و استبصار این روایت نبوی مرسله را نیاورده است پس ظاهراً بدان اعتماد نداشته است. ثالثاً در خصوص قول به حکم قتل در مرتبه‌ی سوم علاوه بر پذیرش آن توسط مشهور، شیخ صدوق در کتاب المقنع (قمی، صدوق، ۱۴۱۵ ق، الف: ۴۵۵) و شیخ طوسی در کتاب «النهایه» (طوسی، ۱۴۰۰ ق، ب: ۷۱۲) و علامه حلی در کتاب مختلف (حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۳ ق، د: ۲۰۳/۹) همگی قائل به قتل در مرتبه‌ی سوم هستند و همچنین

شهید ثانی تصریح می‌نماید که روایت مستند قتل در مرتبه‌ی چهارم توان مقابله با روایات صحیحیه مرتبه سوم را ندارد (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ب: ۴۶۶/۱۴؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، الف: ۲۰۶/۹). رابعاً با توجه به آن همه روایت صحیحیه و عمل اکثر فقها به آنها چنین احتیاطی احتیاط نابجا است و احتیاط در عدم احتیاط است.

نتیجه

در قانون مجازات سال ۹۲ که به صورت آزمایشی تصویب شد و شورای نگهبان آن را نیز تأیید نمود مقنن مبحث مجازات مسکر را با نوآوری‌هایی از حیث شکلی و محتوایی تصویب نمود. جدای از مباحث شکلی دو مطلب قابل تأمل از حیث محتوایی را تغییر داده است. یکی تغییر رفتار مجرمانه از «خوردن» به «هرگونه مصرف» آن هم با همان مجازات حدی که لازمه‌ی این توسعه‌ی جرم‌انگاری بیشتر در این حوزه و افزایش تعداد مشمولین این ماده است. خصوصاً که واژه‌ی مسکر بر انواع مخدر هم صادق است و در نتیجه باید بر کسانی که حشیش و هروئین مصرف می‌کنند حد جاری نمود و در بار چهارم اعدام نمود. با رجوع به ادله و روایات این موضوع، نمی‌توان مستندی قوی برای این امر جست. فتاوی معتبر فقها نیز این نگرش و توسعه را تأیید نمی‌کنند؛ لذا باید گفت این تغییر از مصادیق مجازات بدون دلیل در محدوده‌ای است که مأمور به احتیاط و رعایت حقوق شهروندان و مؤمنین هستیم. در نتیجه پیشنهاد می‌شود یا قانونگذار خصوص خوردن و آشامیدن را موجب حد بداند یا خود متصدی تعریف مسکر شود به گونه‌ای که شامل مخدرات نشود. گرچه پیشنهاد اول بهتر است. دوم اینکه در بحث تشدید مجازات مرتکب مصرف مسکر در صورت تکرار جرم، با سکوت خود در این خصوص و با کلی‌گویی در ماده‌ی ۱۳۶ قائل به مجازات اعدام در مرتبه چهارم شده که نه روایات مرتبه‌ی چهارم و نه فتاوا این مرتبه توان مقابله با شهرت فتوایی و ادله‌ی روایی اعدام در مرتبه سوم را ندارند. این کار قانونگذار احتیاط کردن در جایی است که نباید احتیاط می‌کرد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Ahmad Haji dah abadi



<https://orcid.org/0000-0002-0389-6215>

Mahdi Narestani



<https://orcid.org/0000-0002-4446-2616>

منابع

الف - فارسی

قرآن کریم

باقری، ابراهیم (محقق)، شرح جامع و کاربردی قانون مجازات اسلامی، حدود، دوم، (قم: نشر قضا، مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۹۷ ش).

بروجردی، آقا حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه) اول، (تهران: ۱۳۸۶ ق).

بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، دوم، (تهران: ۱۳۷۵ ش).

جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، اول، (قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ هـ ق).

خراسانی، علی محمدی، شرح تبصرة المتعلمین، (بی تا)، بی نا.

خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل، بی نا، (۱۴۲۶ هـ ق)،

فتحی، حجت الله، کتاب شرح مبسوط قانون مجازات ۱۳۹۲، حدود ۲، اول، (قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۳).

خزاعی، میثم، ریاحی، جواد، زرگریان، طه، «ارزیابی مفهوم شرب مسکر با نگرشی به ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی»، مطالعات فقه امامیه، دوره ۹۲، شماره ۱، پاییز و زمستان، صفحه ۸۳-۱۱۰ (۱۳۹۲).

ب - عربی

اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دوره ۱۴ جلدی، اول، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ هـ ق).

اردبیلی، سید عبد الکریم موسوی، فقه الحدود و التعزیرات، دوره ۴ جلدی، دوم، (قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید رحمه الله، ۱۴۲۷ هـ ق).

اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، اول، (لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ ق).

- اصفهانی، شیخ الشریعه، فتح الله بن محمد جواد نمازی، إفاضة القدير في أحكام العصور، اول (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ هـ.ق).
- ایروانی، باقر، دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالي علی المذهب الجعفري، دوره ۳ جلدی، دوم، (قم: مؤسسه الفقه للطباع و النشر، ۱۳۸۵ ش).
- آبی، فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، دوره ۲ جلدی، سوم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ.ق).
- تبریزی، جعفر سبحانی، الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء، اول، (قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ هـ.ق).
- تبریزی، جواد بن علی، أسس الحدود و التعزیرات، اول، (قم: دفتر مؤلف، ۱۴۱۷ هـ.ق).
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل، اول، (قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸ هـ.ق).
- حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دوم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ هـ.ق).
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، اول، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ هـ.ق).
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، اول، (تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ هـ.ق).
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، اول، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ.ق).
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، دوم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ.ق).
- حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، اول، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ هـ.ق).
- حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، اول، (قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیة، ۱۴۰۵ هـ.ق).
- خامنه ای، سید علی بن جواد حسینی، أجوبة الاستفتاءات، اول، (قم: دفتر معظم له، ۱۴۲۴ هـ.ق).
- خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، دوم، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ هـ.ق).
- خویی، سید ابو القاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، اول، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، ۱۴۲۲ هـ.ق).

- زنجان، سید موسی شبیری، کتاب نکاح، اول، (قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز. ۱۴۱۹ ه.ق).
- سبزواری، سید عبد‌الأعلى، مهذب الأحكام، چهارم، (قم: مؤسسه المنار - دفتر مولف، ۱۴۱۳ ه.ق).
- سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین، پنجم، (قم: دفتر مولف، ۱۴۱۷ ه.ق).
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، اول، (تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ ه.ق).
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، دوم، (لبنان: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۰ ه.ق).
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، اول، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ه.ق).
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، چهارم، (تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه.ق).
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، اول، (قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ه.ق).
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، اول، (لبنان: دار التراث - الدار الإسلامية، ۱۴۱۰ ه.ق).
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، اول، (قم: کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ ه.ق).
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، اول، (قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ه.ق).
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، حاشية المختصر النافع، اول، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ ه.ق).
- قمی، سید صادق حسینی روحانی، منهاج الصالحین، (بی نا، بی تا).
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، المقنع، اول، (قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۵ ه.ق).
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، دوم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ه.ق).
- قمی، محمد مؤمن، مبانی تحریر الوسیله - کتاب الحدود، اول، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۲ ه.ق).
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، دوره ی ۸ جلدی، چهارم، (تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه.ق).
- گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، الدر المنضود في أحكام الحدود، دوره ی ۳ جلدی، اول، (قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ه.ق).

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعہ فی شرح تحریر الوسیلہ - الحدود، اول، (قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۲ ه.ق).
نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دوره ۴۳ جلدی، هفتم، (بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه.ق).

References Translated into English

Bagheri, Ibrahim (mohaghegh), sharh jame and karbardi of the Islamic Penal Code, hadud, 2nd, (Qom: Qada Publishing House, Judiciary Legal Jurisprudential Research Center, 1397 AH). [In Persian]

Borujerdi, Agha Hussein, menabe fagheh shye, (Comprehensive Translation of Shiite Hadiths) 1st, (Tehran: 1386 AH). [In Persian]

Bostani, Fouad Afram, fareang abjady, 2nd, (Tehran: 1375 AH). [In Persian]

A group of researchers under the supervision of Shahroudi, Seyyed Mahmoud Hashemi, farhang fagheh motabagh mazzehab hal beyt, 1st, (Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia on the School of Ahl al-Bayt (peace be upon them), 1426 AH). [In Persian]

Khorasani, Ali Mohammadi, sharh tabsre olmotelmin, (Bita), Bina. [In Persian]

Khomeini, Sayyid Ruhollah Mousavi, tozih olmsael, Bina, (1426 AH), [In Persian]

Fathi, Hojjatollah, ketab sharh mobasoot ghanon mojazat 1392, hadud 2, Part 1, (Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute, 1393). [In Persian]

استناد به این مقاله: حاجی ده آبادی، احمد و نارستانی، مهدی. (۱۴۰۳). واکاوی فقهی موضوع حد مسکر و مجازات تکرار آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از احتیاط بی مورد تا احتیاط ننمودن. پژوهش حقوق کیفری، (۴۷) ۱۲، ۱۴۷-۱۷۰.

Doi: 10.22054/jclr.2025.66998.2468



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons NonCommercial 4.0 International License.